

### حوزه «یورو» و آینده طبقه کارگر کشورهای عضو آن

و مراکز درمانی است. هزینه های همه این مؤسسات، نهادها و مراکز نیز توسط دولت ها پرداخت می شود. نظام بردگی مزدی در سرشت خود جنگ افروز است و جهان سرمایه داری دنیای وقوع وحشیانه ترین جنگ هاست. این جنگ ها را دولت ها راه می اندازند، سازماندهی می کنند و تمامی هزینه های آن ها باید توسط دولت ها تأمین و پرداخت شود. دولت ها وظیفه اصلی را در ایجاد زیرساخت های بنیادی لازم برای انباشت و توسعه و بقای سرمایه داری دارند. راه سازی، تأسیس بنادر یا شبکه های عظیم آب و برق، احداث خیابان ها، شبکه های گسترده حمل و نقل زمینی و هوایی و بسیاری تأسیسات زیربنایی دیگر از وظایف معمول دولت هاست. تأمین سطح نازل بهای نیروی کار نیز از مؤلفه های اساسی حیات نظام بردگی مزدی است. ایفای این نقش هم در هر جامعه بر عهده دولت است. در این مورد، علاوه بر همه سلاخی ها و کشت و کشتارهایی که علیه هر مبارزه و اعتراض کارگران انجام می شود، مقادیر کلانی بارانه نیز پرداخت می گردد و این نیز بر عهده دولت هاست.

فهرست دخالت های دولت در محاسبات دخل و خرج سرمایه، تضمین شرایط سودآوری هر چه انبوه تر سرمایه ها و تداوم بقای سرمایه بسیار طولانی است. دولت در همان حال که خود جزء جدایی ناپذیری از الزامات ارزش افزایی سرمایه است، نیروی اداره کننده و هماهنگ ساز بسیاری از پیش شرط ها و ملزومات دیگر این کار نیز هست. نکته مهم و قابل تعمق در این گذر آن است که دولت کل یا حداقل عظیم ترین بخش هزینه های بالا را باید از حساب بهای نیروی کار توده های طبقه کارگر بپردازد. حکمت پدیده ای به نام کسری بودجه دولتی نیز درست در همین جا خود را نشان می دهد. دولت، بودجه خود را بر اساس آنچه سرمایه برای بازتولید شرایط ارزش افزایی و سودآوری حداکثر نیاز دارد تنظیم می کند و کسری این بودجه نیز از ریال اول تا آخر مربوط به تأمین و پرداخت هزینه های کمک به بازتولید همین شرایط است. دولت تمامی این اقلام را به سرمایه و نظام سرمایه داری می پردازد و در قبال پرداخت آن دچار کسری بودجه می شود. گام بعدی کار دولت در این راستا آن است که کل این کسری را بر زندگی توده های کارگر بار کند و اعلام و تصویب رقم این کسری در بودجه سالانه نیز دقیقاً همین هدف را دنبال می کند. دولت با بحث بودجه و گزارش میزان کسری آن در واقع به صراحت به توده بردگان مزدی اعلام می کند که باید منتظر گسترده ترین یورش ها به سطح معیشت و دارو و درمان و آموزش و پرورش و همه امکانات اجتماعی دیگر خود باشند. به بیان دقیق تر، دولت به کارگران می گوید درست است که سرمایه به نیروی کار آموزش دیده یا دارای سلامت جسمی نیازمند است و درست است که مجبور به خرید نیروی کار است اما ملزومات سودآوری هر چه عظیم تر سرمایه ها ایجاد می کند که بهای این نیرو و بهای تأمین سلامتی و آموزش و سایر هزینه های آماده سازی آن تا سرحد ممکن کاهش یابد. سرچشمه کسری بودجه دولت ها، حکمت این کسری و مکان آن در پاسخ به نیازهای بازتولید شرایط ارزش افزایی و سودآوری سرمایه همین است. عین این مسأله در مورد بدهکارهای عظیم داخلی و خارجی دولت ها هم صدق می کند. این هر دو پدیده فصل های ثابت و همیشه باز کارنامه دولت ها هستند. اما اهمیت، دامنه شمول و برد کارایی آن ها در دوره کنونی حیات سرمایه داری هر روز از روز پیش بیشتر می شود. هر چه متوسط ترکیب ارگانیک کل سرمایه جهانی بالاتر می رود، به بیان ساده تر، هر چه نیروی کار کارگران بیشتر جای خود را به تکنولوژی های پیشرفته تر می دهد، هر چه عرصه های سودآوری سرمایه تنگ تر می شود، هر چه زمینه های بالفعل شدن کاهش نرخ

اقتصاددانان، نمایندگان سیاسی و متفکران نظام سرمایه داری مدام از مفاهیمی مانند کسری بودجه دولت ها، میزان بدهی کشورها، رشد تورم، ضرورت حیاتی کمک های کلان دولت ها به بانک ها و مؤسسات مالی و صنعتی، سقوط نرخ رشد اقتصادی سالانه و نوع این ها سخن می گویند. آن ها درباره این موضوع ها دنیایی بحث و نظریه و تحلیل و پژوهش ارائه می دهند. در این میان آنچه تعمداً فراموش می کنند و تلاش دارند تا چشمان خود و همه جهانیان را بر آن فروبندند، واقعیت هایی است که در پس این مفاهیم نهفته است. کسری بودجه دولت یعنی این که حساب دخل و خرج سالانه نظام سرمایه داری کشور دچار کسری است. یعنی آن که این نظام زیاد «خرج» کرده و زیر فشار این خرج ها بدهکاری بار آورده است. در همین جا، نخستین سؤال آن است که این هزینه های سهمگین چیست و این مخارج سنگین از کجا سرچشمه می گیرد؟ هزینه های سرمایه داری یعنی مخارج بازتولید سرمایه اجتماعی، یعنی هزینه های انباشت و ارزش افزایی سرمایه، در بخش های مختلف ثابت و متغیر آن، یعنی مخارجی که باید پرداخت شود تا سرمایه ها به حداکثر سود ممکن دست یابند و نرخ های ارزش اضافی خود را تا سرحد ممکن بالا ببرند. تا اینجا نکته چندان غامضی وجود ندارد. سؤال بعدی و مهم تر این است که این هزینه ها چه ربطی به دولت دارد و چرا دولت ها باید بار پرداخت این هزینه ها را بپذیرند؟ سؤال بسیار مهم دیگری هم به عنوان مکمل پرسش های فوق مطرح می شود: مگر سرمایه ها با وجود دنیای بیکران استثمار هولناک طبقه کارگر باز هم ضرر به بار می آورند که مخارج بازتولید سراسری آن ها به صورت کسری بودجه دولت ها ظاهر می شود؟ پاسخ این سؤال ها به اختصار به شرح زیر است.

دولت ها در سراسر جهان دولت های سرمایه داری هستند. دولت ها برخلاف پاره ای تصورات فقط ارگان های سازمان یافته سرکوب و اعمال دیکتاتوری و توحش نظام بردگی مزدی نیستند. طبیعی است که ایفای این نقش ها از وظایف ذاتی، همیشگی و انداموار تمامی این دولت هاست. اما وظایف دولت ها به هیچ وجه در این حدود خلاصه نمی شود. دولت ها در هماهنگ سازی، طراحی و برنامه ریزی نظم تولیدی، نظم سیاسی، نظم اجتماعی و مدنی و حقوقی سرمایه نقش اساسی و بسیار سرنوشت ساز ایفا می کنند. دولت سرمایه داری هر کشور جزء جدایی ناپذیر سرمایه اجتماعی آن کشور و نهاد همه جا حاضر و دخیل در فرایند ارزش افزایی و بازتولید سرمایه است. مالک مستقیم بخشی از سرمایه اجتماعی است. نظم سیاسی سرمایه را تضمین می کند و این نظم را از طریق ارتش، پلیس، قوه قضائیه، زندان ها و نهادهای بی شمار امنیتی و سرکوب، بر توده های کارگر تحمیل می نماید. این نظم شرط ضروری و حیاتی وجود سرمایه داری است و کل هزینه های تحصیل آن بر طبقه کارگر یکجا و بسیار سخاوتمندانه و با فراغ بال توسط دولت تأمین و پرداخت می شود. دولت باید نیروی کار مورد نیاز سرمایه ها را آموزش دهد. باید هزینه مهد کودک ها، دبستان ها، دبیرستان ها، دانشگاه ها و مدارس عالی گوناگون مورد نیاز این آموزش و تربیت نیروی کار متخصص را بپردازد. سرمایه نیازمند برنامه ریزی و توسعه و اجرای بزرگ ترین پروژه های تحقیقی است. توسعه اکتشافات و اختراعات و دستاوردهای نوین علمی امر حیاتی سرمایه است و دولت عهده دار پرداخت کل هزینه های این طرح ها و پروژه هاست. دولت باید سلامتی نیروی کار مورد احتیاج سرمایه ها را نیز تا جایی که واقعاً نیاز میرم تولید هر چه انبوه تر اضافه ارزش هاست پاسخگو باشد. این کار نیز نیازمند برنامه ریزی های بهداشتی، درمانی، پرورش پزشک و پرستار و بهیار، تأسیس بیمارستان ها و آزمایشگاه ها

مهد کودک ها را برچیده اند. مراکز نگه داری از سالمندان و معلولان را به ویرانه میل ساخته و بسیاری کارهای دیگر انجام داده اند. دولت ها به همه این جنایت ها دست یازیده اند تا بازار انباشت سرمایه را رونق بخشند. اما بر اساس گزارش های منتشر شده نهادهای رسمی، نرخ رشد اقتصادی در غالب کشورهای عضو زیر ۱٪ و در پاره ای موارد حدود صفر است و شماری نیز دچار رشد منفی هستند. بیکاری در تمامی کشورها بیداد می کند. در اسپانیا حتی در قیاس با دو سال پیش دو برابر شده است، ۴۰٪ جوانان در سن اشتغال بیکارند و هیچ چشم اندازی برای یافتن هیچ نوع کاری ندارند. متوسط نرخ بیکاری در سراسر قاره از ۱۰ درصد بیشتر است و تمامی قرائن و آمارهای موجود از توسعه آن در ماه های آتی حکایت دارد.

کارگران اروپا و از جمله توده های کارگر ۱۶ کشور عضو حوزه یورو در طول ۲ سال اخیر به اندازه کافی شلاق سلاخی بهای نیروی کار و باقی مانده امکانات رفاهی را بر کرده زندگی خود تحمل کرده اند. ارقام بدهی ها و کسری بودجه های سهمگین دولت ها که در بالا دیدیم، وقوع سلاخی های بازهم هولناک تر را در کران تا کران زندگی نسل حاضر و نسل های بعدی توده های کارگر اروپا و بدین سان سراسر جهان آژیر می کشد. این که طبقه کارگر جهانی این آژیر را تا چه حد شنیده است یا می شنود و این که آیا برای دفع مخاطرات مرگبار تهاجمات مستمر سرمایه دست به کار خواهد شد یا نه، مسائلی هستند که باید آن ها را در فصل های آتی حیات کارگران دنبال کرد. یک چیز بدیهی است. دوران ما دوران سلاخی بی امان بهای بازتولید نیروی کار، دار و ندار معیشتی و امکانات اولیه زندگی کارگران، دوران توفان هرچه سهمگین تر بیکارسازی ها و روزگار هجوم و تاخت و تاز سرمایه به همه عرصه های حیات اجتماعی انسان های کارگر است. تحقق این یورش ها و هجوم ها شرط بقای سرمایه در شرایط موجود تاریخی است. سرمایه نمی تواند چنین نکند، زیرا اگر نکند باقی نخواهد ماند. دوران تولید اشتغال، روزگار افزایش بهای نیروی کار یا بهبود سطح معیشت توده های کارگر در این نظام دیری است که به پایان رسیده است. تاریخ به عقب باز نمی گردد. بقای سرمایه به توحش هر چه بی عنان تر در همه زمینه های زیست انسانی از بهای نیروی کار و چگونگی معاش کارگران گرفته تا سلب آزادی ها و حقوق اولیه انسانی، تا محیط زیست و ... گره خورده است. گریز بشریت از این توحش در گرو پایان دادن به حیات سرمایه داری است و برای این کار هیچ چاره ای جز سازماندهی جنبش شورایی ضد سرمایه داری توده های طبقه کارگر در هر کشور و در سراسر جهان نیست.

## کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۷ خرداد ۱۳۸۹

## اعلامیه اعتصاب کارگران خبازی های سقز و حومه

مردم شریف!

کارگران خباز شامل قانون کار هستند و هر ساله توسط شورای عالی کار دستمزد کارگران افزایش می یابد و طی بخشنامه به کلیه ادارات کار جهت اجرا ابلاغ می گردد. اما از زمانی که رییس اداره کار ( فعلی ) و فرماندار ( فعلی ) در شهر ما به قدرت رسیده اند همیشه با کارگران خباز در تضاد بودند و از نماینده کارفرما حمایت غیر قانونی کرده اند. به طوری که فرماندار به یکی از نمایندگان کارگران خباز گفته است که کارگران خباز شامل قانون کار نمی باشند و نماینده کارفرما هم از این گفته فرماندار سوء استفاده کرده و به تمام کارفرمایان اعلام کرده است که دستمزد کارگران را افزایش نداده و پرداخت نکنند

مردم شریف!

همچنان که اطلاع دارید در تاریخ ۸۹/۳/۱۶ با اجرای نامه شماره ۱۱۶۱۰/۱/۸۵ مورخه ۹۸/۳/۱۲ استانداری استان کردستان نرخ انواع نان

عمومی سود بیشتر گسترش می یابد، هر چه بحران پرشتاب تر و کوبنده تر آستان حیات سرمایه را می کوبد، هر چه بحران ها ساختار بازتولید سرمایه را گسترده تر و جهانی تر و عمیق تر و سرکوبگرتر زیر فشار خود می گیرند و هرچه بحران ها بیشتر و بیشتر در شیرازه وجود سرمایه بین المللی ماندگارتر و پابرجاتر می شوند، آری هر چه نظام سرمایه داری بیشتر به چنین ورطه ای فرومی غلتد، کسری بودجه دولت ها و بدهکاری های عظیم بانکی داخلی و خارجی آن ها نیز موضوعیت، اجتناب ناپذیری و اهمیت بیشتری می یابد.

وضعیت حاضر جهان سرمایه چنین است و برای مشاهده شفاف و عینی این وضعیت خوب است به حوزه یورو و ۱۶ کشور بزرگ و کوچک صنعتی عضو این حوزه نگاهی بیندازیم. زمانی که اتحادیه پولی اروپا تشکیل شد، دو شرط مهم عضویت کشورها این بود که اول، بدهی هیچ دولتی از ۶۰٪ تولید ناخالص داخلی کشور بیشتر نباشد و دوم، کسری بودجه سالانه دولت ها از ۳ درصد همان تولید ناخالص داخلی فراتر نرود. از میان ۱۶ کشور عضو این اتحادیه در حال حاضر فقط دو کشور فنلاند و لوکزامبورگ حائز این شرایط هستند و ۱۴ کشور دیگر آن ها را به طور کامل زیر پا نهاده اند. بدهی دولت یونان به جای ۶۰٪ به حدود ۱۱۶٪ درصد رسیده است. میزان بدهی دولت ایتالیا در قیاس با تولید ناخالص داخلی این کشور از یونان هم به مراتب بیشتر است. کسری بودجه اسپانیا به ۱۲ درصد رسیده و آماده دستیابی به رکوردهای تازه تر است. در میان سایر کشورهای عضو، پرتغال با حدود ۱۰٪، فرانسه ۸٪، اسلواکی ۷٪، بلژیک ۶٪ و هلند بیش از ۵٪ به لحاظ میزان کسری بودجه در درجات بعد قراردارند. تا جایی که به بدهی دولت ها مربوط می شود نیز با ارقام زیر مواجه هستیم: ایتالیا ۱۱۶٪، یونان ۱۱۵٪، فرانسه ۷۸٪، پرتغال ۷۷٪، آلمان ۷۴٪، مالت ۷۰٪، و اتریش ۶۶٪ تولید ناخالص داخلی خود بدهی دارند. وضعیت سایر کشورها هم بهتر نیست و در پاره ای موارد بدتر است. مشابه همین مشکلات در مورد قطب های عظیم دیگر سرمایه جهانی نیز وجود دارد. بدهی دولت آمریکا از یک تریلیون و ۶۰۰ میلیارد دلار افزون است. دولت انگلیس بیش از ۶۸٪ تولید داخلی خود بدهی دارد و روسیه از همه این ها وضعی فاجعه بارتر دارد. کسری بودجه دولت احمدی نژاد در ایران حدود ۳۰ درصد کل بودجه و ارقام بدهی این دولت به بانک های داخلی و مؤسسات مالی بین المللی سر به آسمان می ساید.

سران کشورهای حوزه یورو مدت هاست از قدرت اعجاز خویش در مهار موج بحران سخن می رانند. در این قدرت اعجاز جای تردیدی نیست. آنان در یک چشم به هم زدن وضعیت معیشتی توده های کارگر ۱۶ کشور را بیش از پیش کن فیکون کرده اند. نرخ بیکاری را تا هر کجا که سرمایه نیاز داشته است بالا برده اند. تا چشم کار می کند مدرسه ها را تعطیل کرده اند. بیمارستان ها را بسته اند.

همشهریان و مردم زحمتکش سقز!

ما کارگران خباز شهرستان سقز، سال هاست افتخار آن را داریم که در خدمت مردم محروم و زحمتکش باشیم و به خوبی درک می کنیم که اکثریت نانی که روزانه در خبازی ها تولید می شود خوراک مردم زحمتکش است و هزاران نفر از کودکان این مردم از این نان تغذیه می کنند. از طرف دیگر ما هم برای این که توان کار داشته باشیم به دستمزد احتیاج داریم تا خود را برای کار روز بعد آماده نماییم. ولی چند سالی است که نماینده کارفرما به هیچ عنوان تن به بستن قرارداد با نماینده ما نمی دهد. نمایندگان کارفرمایان هر روز با شیوه های غیرقانونی و به دور از هر گونه اخلاق انسانی کارفرمایان را تشویق می کنند تا دستمزد کارگران را پرداخت نکنند. این عملکرد نماینده کارفرما موجب اغتشاش در کلیه کارگاه های خبازی شده و ما کارگران دیگر تحمل آن را نداریم که نمایندگان کارفرما به میل و اراده خود دستمزد ما را افزایش دهند. اگر ما تا امروز ساکت و آن همه بی عدالتی را تحمل کردیم تنها به خاطر آن است که مردم محروم و زحمتکش از نظر تهیه نان روزانه خود با مشکلات روبرو نشوند.

تا تاریخ ۸۹/۳/۲۵ منتظر می مانیم که به هر طریقی که مسئولان شهر صلاح می دانند این مشکل را حل کنند. ولی تا امروز ۸۹/۳/۲۵ هیچ گونه توافقی فی مابین نماینده ما و نماینده کارفرما صورت نگرفته و ما امضاء کنندگان این اطلاعیه حق خود می دانیم که در تاریخ ۸۹/۳/۲۶ راس ساعت ۷ صبح دست از کار بکشیم. ما کارگران خباز در اطلاعیه های بعدی، مردم شریف شهرستان را از اقدامات خود با خبر خواهیم کرد.

کارگران خبازی های سقز و حومه ۸۹/۳/۲۵

تولیدی را افزایش داده و عامل اصلی افزایش نرخ نان را دستمزد کارگران اعلام کردند. این در حالی است که هنوز دستمزد ما کارگران افزایش نیافته و با نرخ سال های قبل کار می کنیم. از طرف دیگر اتحادیه کارفرمایان در تاریخ ۸۹/۳/۱۶ طی نامه ای که آن را در کلیه خبازی ها نصب کرده اند، کارفرمایان را موظف کرده تا اطلاع ثانوی دستمزد کارگران را افزایش ندهند و رونوشت آن را به فرمانداری و اداره کار داده اند تا اطلاع داشته باشند!!!!!! این عمل نماینده کارفرما از هر نظر محکوم است. ما در اطلاعیه چند روز پیش اعلام کردیم که

## تعویق دستمزدها در شرکت تابلیر

که همیشه جمعیت عظیم نیروی کار آماده اند تا با قبول ماه ها تعویق دستمزد بازم کار کنند و لب به اعتراض نکشایند». کل کارگران این شرکت از پایان ماه اسفند سال پیش تا امروز حتی یک ریال هم دستمزد نگرفته اند. ۲۵ خرداد ۸۹

شرایط کار آنان بسیار هولناک و مرگبار است. ۲۰۰۰ کارگر شرکت همواره با تعویق دستمزدها مواجه هستند و سرمایه داران بسیار رک و صریح دلیل این کار را اعلام کرده اند. آنان به کارگران می گویند «کارگر بسیار فراوان است، آن قدر فراوان

تابلیر یک شرکت بزرگ راه و ساختمان است که ۲۰۰۰ کارگر را استنثار می کند. این شرکت عهده دار حفاری تونل نیایش است که قرار است خیابان کارگر شمالی را به اتوبان بابایی متصل کند. کارگران در عمق ۴۰ متری زمین کار می کنند و

## سرکوب و دستگیری های اخیر را محکوم می کنیم

معترض توام با سرکوب و ایجاد رعب و وحشت و ضرب و شتم شدید مردم و شلیک گاز اشک آور به طرف آنان بوده است.

ما تمام این بازداشت ها و سرکوبگری ها را محکوم می کنیم، فعالیت کارگری را حق مسلم فعالان کارگری می دانیم، اعتراض شهروندان به ظلم و ستم جمهوری اسلامی سرمایه را حق بدیهی آنان می دانیم و خواهان آزادی بی قید و شرط دستگیرشدگان اخیر و به طور کلی تمام زندانیان سیاسی هستیم. ۲۴ خرداد ۸۹

به دنبال بازداشت علیرضا اخوان و سعید ترابیان، دو تن دیگر از فعالان کارگری، رضا شهابی و مهدی فراخی شانددیز، نیز در روزهای اخیر دستگیر شدند. همچنین، در روز شنبه ۲۲ خرداد شمار بسیاری از مردم معترض که به مناسبت سالگرد آغاز اعتراض های یک سال اخیر به خیابان های تهران و چندین شهر دیگر آمدند، بازداشت شدند. خود نیروی انتظامی تعداد بازداشت شدگان را فقط در شهر تهران ۹۱ نفر اعلام کرده است. خبرگزاری های مستقل این تعداد را بسیار بیش از این اعلام کرده اند. علاوه بر این، بازداشت مردم

## خواب خوش سرمایه آشفته می شود! اعتصاب کارگری در چین

به پایان خود نزدیک می شود. دیگر جای تسخیر نشده ای نمانده است و همان طور که مارکس و انگلس در مانیفست بیان کردند اما در سطحی فوق العاده عظیم تر در مقیاس امروزی سرمایه تمام جهان را در نور دیده است. هرروزه در گوشه ای از سرزمین پهناور چین کارگران سربه شورش بر می دارند. دیگر با ابزار تولید در نمی افتند بلکه مستقیم منافع سرمایه را مورد حمله قرار می دهند. دیگر معنای استنثار را می دانند و نمی خواهند به آن تن در دهند و علی رغم ممنوعیت قانونی و برخورد شدید نیروی سرکوب دولتی، پیه ضرب و شتم و زندان را بر بدن خود می مالند و می خواهند سرمشقی برای سایر کارگران بیافرینند:

بیش از ۱۰۰۰ کارگر کارخانه ماشین سازی هیوندایی در چین چندمین اعتصاب خود را روز ۵ شنبه سوم ژوئیه آغاز کردند. آن ها خواهان افزایش ماهانه ۸۰۰ یوان یا ۱۱۷ دلار دستمزد هستند اما کمپانی افزایش ۳۶۶ یوان را در مقابل پیشنهاد داده است. مزد کارگران چینی در مقایسه با کارگران بخش اتومبیل سازی کشورهای صنعتی بسیار پایین است این کارگران ماهانه تنها ۱۵۰۰ یوان چینی دستمزد دریافت می کنند که برابر با حدود ۲۳۰ دلار آمریکاست و این بیانگر شدت استنثار فوق العاده این کارگران حتی در مقابل رفقای همکارشان که خود مورد استنثار شدید هستند می باشد. خواست بیش از ۵۰٪ افزایش حقوق در میان کارگران چینی یک انقلاب است.

کارگران در نامه ای سرگشاده که در مطبوعات به چاپ رسیده اعلام کردند که در صورت عدم پاسخگویی مسئولانه کمپانی آن ها اعتصاب را ادامه خواهند داد. می گویند هدف ما فقط افزایش حقوق همین ۱۸۰۰ نفر نیست بلکه ما علایق کل کارگران کشور را در مد نظر داریم و می خواهیم یک نمونه خوب باشیم در این مورد که چگونه می شود از حقوق خود در مقابل کارفرما دفاع کرد. چنین دیدی بیانگر سطح بالای آگاهی این کارگران است. کارگران در نامه خود اتحادیه

## خواب خوش سرمایه آشفته می

زمانی چین سرزمین رویایی سرمایه داران غربی شده بود. نیروی کار ارزان تقریباً به قیمت هیچ، شتاب سرسام آور تولید و همراهش ده ها معلول روزانه بدون داشتن حقی برای دریافت غرامت و سایر حقوق کار هدیه سرمایه داران دولتی چین به سرمایه جهانی برای بازگشایی درها بود. میلیون ها روستایی به زور از محل زندگی خود به بهانه توسعه و صنعتی کردن کوچانده شدند و हजार زندگی شان به هم ریخت بدون این که غرامتی بابت زمین های شان و تضمینی برای بقا زندگی شان دریافت کرده باشند. میلیون ها زن و مرد هر روز به امید یک زندگی بهتر در راه بودند تا به مناطق صنعتی برسند و کاری پیدا کنند. آن ها به هرگونه شرایط غیرانسانی تن می دادند. چون قرن اولیه توسعه سرمایه داری روزانه تا ۱۵ ساعت کار می کردند و ساعات کوتاه استراحت و خواب را دسته جمعی در اتاقک های مجاور کارگاه تنگ بغل هم می خوابیدند یا، بهتر بگویم، بیهوش می شدند تا فردا توان جان کندن داشته باشند و بتوانند غول سرمایه را فریه تر کنند. روزگار خوشی بود برای سرمایه ؛ مردمی مطیع، سخت کوش و کم توقع که می شد شیره جانشان را کشید بدون این که آب از آب تکان بخورد زیرا برای سرمایه جان آدمی ارزشی ندارد.

اما در نمی توانست همواره بر همین پاشنه بچرخد. در این جا نیز "بورژوازی سلاحی را حدادی کرد" که هلاکش خواهد ساخت و به سمت خود او نشانه خواهد رفت. یعنی بورژوازی پروولتاریایی را ایجاد کرد که به زودی و بسیار سریع تر از اروپا و آمریکا با نگاه به تجربه ۳۰۰ ساله رفقا و دوستان کارگوش در آن جاها به حقوق خود آشنا شد و به اطاعت ناشی از سرکوب که زمانی به اصلالت و غرورش منسوب می شد پشت پا زد و حقوق اساسی و پایه ای خود را فریاد کرد و می رود که با جمعیت چند صد میلیونی خود در جمع چند میلیاردی کارگران جهان در فردایی که در راه است آگاهانه حق خود برآن چه را که تاکنون تولید کرده اند و از آن ها غصب شده دوباره پس بگیرند. رویای سرمایه در چین

رسمی را مورد انتقاد قرار دادند که اعضایش تا پایان اعتصاب قبلی در کارخانه کار کردند و با اعتصاب همراه نشدند. آن ها خواهان رسیدگی موردی شدند که در آن نمایندگان اتحادیه بعضی از کارگران اعتصابی را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

اعتصاب کارگران هیوندایی مثالی برجسته از شمار فزاینده اعتصاب کنندگان برای دستمزدهای بالاتر در چین است. در ماه مه کمپانی تولید کننده اتومبیل کره جنوبی سعی کرد اعتصاب در شعبه پکن را با پرداخت پول به پرسنل سریعا

بخواباند تا مورد الگو برداری قرار نگیرد. هم چنین اعتصاب در کارخانه تولید کننده قطعات اتومبیل در پکینگ را نیز به سرعت با پرداخت پول خاتمه داد. در ماه مه علاوه بر شعبات هیوندایی در یکی از ۴ شعبه کارخانه هوندای ژاپنی در شهر تانجان ایالت شانکسیین چین نیز شاهد اعتصاب بودیم که بعد از چند روز با حمله پلیس و ده ها دستگیری و زخمی سرکوب شد. اعتصاب سرکوب شد اما زنده باد مبارزه علیه سرمایه!

فریده ثابتی منبع خبر: Libcom.org

## بازداشت سعید ترابیان، فعال سندیکالیست

فعالیت سندیکایی را حق فعالان سندیکالیست می دانیم و بازداشت این فعالان از جمله سعید ترابیان را به علت این فعالیت محکوم می کنیم و خواهان آزادی بی قید و شرط آنان هستیم. ۲۱ خرداد ۸۹

کامپیوتر او را نیز با خود برده اند. سعید ترابیان یک فعال سندیکالیست است و ما، همان گونه که بارها اعلام کرده ایم، سندیکالیسم را جریان سرمایه دارانه در درون جنبش کارگری می دانیم و، از همین رو با آن مبارزه می کنیم. درعین حال، ما

صبح چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۹، سعید ترابیان از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در منزلش بازداشت و به جای نامعلومی منتقل شد. ماموران امنیتی ضمن بازرسی و تفتیش منزل ترابیان، وسایل شخصی و

## اعتصاب غذای ۷۰۰ زندانی در زندان گوهردشت

به بیرون را ببندند. ما هر نوع شکنجه انسان ها اعم از فعالان سیاسی و افراد عادی توسط زندانبانان سرمایه را محکوم می کنیم و از همه کارگران می خواهیم که به هر طریقی که می توانند به شکنجه و آزار زندانبانان در زندان های ایران از جمله زندانبانان بند یک زندان گوهردشت اعتراض کنند.

۲۱ خرداد ۸۹

آخر در زندان گوهردشت چنین بوده است. بر اساس اخبار درج شده از سوی «فعالین حقوق بشر و دموکراسی» غالب این زندانبانان به دلیل تحمل کتک کاری ها و شکنجه های جسمی در سراسر اندام خویش دچار جراحت و زخم های مهلک شده اند. عمله و اگره زندانبان دولت سرمایه به دنبال این شکنجه ها هر نوع ملاقات خانواده ها با زندانبانان را نیز قطع کرده اند تا از این طریق مجاری درز اخبار

بیش از ۷۰۰ نفر از زندانبانان بند یک زندان گوهردشت چند روز است که در اعتصاب غذا به سر می برند. علت اعتصاب تشدید وحشیانه شکنجه و آزار زندانبانان در هفته های اخیر است. اعمال شکنجه و آزار و اذیت اسیران سیاه چال ها جزء جدایی ناپذیر شرایط جاری در زندان های جمهوری اسلامی سرمایه است. این آزارها و فشارها و ضرب و شتم ها در دوره هایی حادث می شود و هفته های

## دو خبر از گیلان

جمشیدی با پرویی تمام خواستار ضرر و زیان ناشی از فسخ قرارداد است. در این میان سرنوشت و تکلیف کارگران خدماتی شهرداری مشخص نیست.

### کنف کار

کارخانه کیسه بافی کنف کار که متعلق به خانواده زهرابی و دو پسرعموی جزایری عرب است در حال حاضر با ۱۳۰ کارگر مشغول به کار در یک شیفت است. کارگران هریک در حدود ۴ میلیون تومان مطالبات معوقه طلبکارند. اما کارخانه علیرغم تولید از اول سال جاری ۸۹ تا کنون فقط ۳۰۰ هزار تومان به هریک از کارگران پرداخته است. مدیر عامل ضدکارگر فعلی دختر زهرابی است که وکیل وی مسئول رتق و فتق کارها است. کارخانه دارای شورای کارگری تحت نظارت اداره کار و تایید شده اطلاعات است که سه عضو دارد که سال هاست در شورا عضویت دارند.

### فعالان ضدسرمایه داری گیلان

خرداد ۱۳۸۹

### اخراج ۲ تن دیگر از کارگران شرکت سبز زیور

شرکت سبز زیور، پیمانکار شهرداری منطقه یک رشت (گلسار) است. کارگران خدماتی قراردادی شهرداری منطقه یک رشت که با این شرکت کار می کنند در حال حاضر حداقل ۵ ماه اضافه کاری معادل یک میلیون تومان از این شرکت طلبکارند. مالک شرکت سبز زیور فردی به نام جمشیدی از اهالی کرج است که با زد و بند با شهردار رشت و اعضای شورای شهر رشت توانست این قرارداد را منعقد کند. در این میان کارگران معترض حتی با شهردار ضدکارگر رشت - فریدونی - و رئیس شورای ضد کارگر رشت - قاسمی - بارها مذاکره کرده اند اما نتیجه نگرفته اند. در پی این اعتراضات دو تن دیگر از کارگران خدماتی شهرداری منطقه یک گلسار رشت نیز از شرکت خدماتی سبز زیور اخراج شدند. این دو تن که جمشید ضیاء و رحمان فخیم صادقی نام دارند از تاریخ ۸۹/۳/۴ اخراج شده اند. لازم به ذکر است که ماشین های حمل و نقل شهرداری که در اختیار شرکت سبز زیور است به علت استهلاک بالا و هزینه زیاد تعمیر و نگه داری از دور کارکردن خارج شده اند. شهرداری خواستار خسارت در این زمینه و فسخ قرارداد با جمشیدی به علت بی لیاقتی وی است. در مقابل،

آدرس ما: بابا

khbitkzs@gmail.com

## منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی و سرکوب و توحش در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نگذاشته است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری نباشیم. افزون بر این، کارگران به صورت گسترده در جنبش سیاسی جاری علیه جمهوری اسلامی که به دنبال انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ آغاز شده است، فعالانه شرکت دارند.

با این همه و به رغم شرکت وسیع - هر چند پراکنده و نامتشکل - کارگران در جنبش جاری و با آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری و ضدسرمایه داری واحد گرد نیامده است. و یکی از مهم ترین علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی و سراسری واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای و ضدسرمایه داری طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح ابتدایی و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان سرمایه داری و دوم به این معنا که این مطالبات صرفاً کف و حداقل خواسته های طبقه کارگر ایران را تشکیل می دهند.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه و با چه رویکردی مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کار اضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت شده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیز خویشتن نظام سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما دیگری بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم. ما بر این باوریم که تحقق مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در گرو ارتقای این رویکرد خودانگیز سرمایه ستیز به افق خودآگاهانه مبارزه متشکل و شورایی طبقه کارگر برای الغای کار مزدی است. از سوی دیگر، به نظر ما، طرح مطالبات پایه ای و مبارزه جنبش طبقه کارگر برای دستیابی به آن ها صرفاً با هدف افزایش توان مادی و فکری کارگران برای جامعه عمل پوشیدن به این افق انجام می گیرد.

### مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- جدایی کامل دین از حکومت به معنای سکولار (غیردینی) شدن کامل حکومت و در نظر گرفتن دین به عنوان امر خصوصی افراد
- ۲- برخورداری بی قید و شرط تمام افراد جامعه از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، تشکل، اعتصاب، تجمع، تحصن، تظاهرات و راه پیمایی و نهادینه شدن تمام این آزادی ها
- ۳- آزادی بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی، ممنوعیت هرگونه شکنجه اعم از جسمی و روحی برای در هم شکستن و واداشتن متهمان به اعتراف علیه خود یا دیگری، و انحلال تمام نهادهای سرکوب
- ۴- ابتدائی تمام امور قضایی بر موازین حقوقی مدرن و سکولار، ممنوعیت تعمیم مفهوم جرم به فعالیت های سیاسی و مطبوعاتی، انحلال دانشگاه های ویژه، علنی بودن محاکمات با حضور هیئت منصفه، انتخاب آزادانه وکیل دلخواه و رایگان بودن امور دادرسی

- ۵- الغای مجازات اعدام
- ۶- الغای هرگونه تبعیض جنسیتی در مورد زنان. برای تحقق این خواست باید:
  - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به خانواده و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
  - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، پوشش و روابط زن و مرد یا دختر و پسر ممنوع شود.
  - ازواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
  - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
  - حق زن بر بدن خویش شامل حق تصمیم گیری در مورد رابطه جنسی، بارداری، سقط جنین یا عقیم سازی به رسمیت شناخته شود.
  - کار خانگی از میان برود، اما تا آن زمان به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل پرداخت شود.
  - با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکانات رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت، زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
  - با ایجاد خانه های امن دارای امکانات مناسب همراه با آموزش و درمان و پرداخت مستمری کافی تا فراهم شدن امکان اشتغال مناسب و زندگی مستقل، زنان خشونت دیده یا در معرض خشونت و دختران فراری از خانه مورد حمایت مادی، معنوی و قانونی قرار گیرند.
- ۷- الغای کار کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال
- ۸- به رسمیت شناسی حقوق تمام اقلیت های قومی ساکن ایران با هدف زمینه سازی برای رفع محرومیت آن ها در همه زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۹- برخورداری همه مردم از مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی. تحقق این امر در گرو آن است که:
  - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن مردم استفاده شود.
  - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای مردم اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان رایگان برای عموم مردم
- ۱۱- آموزش و پرورش رایگان عمومی در تمام سطوح
- ۱۲- حمل و نقل رایگان برای عموم مردم در سراسر جامعه
- ۱۳- مهد کودک رایگان برای تمام مردم
- ۱۴- مراقبت رایگان از همه سالمندان و معلولان و فراهم ساختن تمام تسهیلات لازم برای جلوگیری از انزوی آنان و استفاده هرچه بهتر از امکانات عمومی جامعه
- ۱۵- ایجاد امکانات رفاهی لازم مانند جاده، آب، برق، گاز، تلفن و مراکز آموزشی، درمانی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی در تمام روستاها
- ۱۶- تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران بر اساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران
- ۱۷- پرداخت حقوق ثابت ماهانه به تمام افراد زیر ۱۸ سال از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند
- ۱۸- برخورداری تمام افراد جامعه از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی، از کارافتادگی و بیکاری. این حقوق نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۱۹- الغای هر نوع قرارداد استخدام موقت
- ۲۰- برخورداری همه شاغلان در تمام مراکز کار و تولید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان
- ۲۱- پرداخت حقوق تمام شاغلان، بیکاران، بازنشستگان، از کارافتادگان، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال قبل از پایان هر ماه

### کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

خرداد ۱۳۸۹